

در دہار و لکے چہ شود رخ نمود در کعبے رحمن کریم

صد نظم مسکنی عربی  
مکتبہ موسیٰ کے تحت  
نئی دہلی دارالکتاب مسکنی

چشم با صفت گمانی می شود  
کلامی نامدار و الهامی بخت  
کر آواست گمانی می شود

موسى بن جعفر

بسم الله الرحمن الرحيم

[illegible]









شکرند بعد جبر و در کار / شد میر دولت دیدار

تاشی در جیش اسباب / کوشا بود جوی نغمی

دو دامن در زلفش و زنبوب / بود کایان چو ابر و بهار

انوشین نعمت دواز / کایز در دم کار نام  
 خوش در وصل زینت یار / یارب تو بطلعت خود یار  
 فنا بکسارت زین باد / کام دل عاشق آن غم  
 یارب بمرادشین باد / ای شایسته چکان در کن  
 شسته بیاخت که ای / زرد دل چکان در کن  
 شغل لبش کام آید / **دختر** هم چو  
 آن کو پیش تو ای کای / چون شست تمام کای  
 و در دست این رو کار / از وصل طهورت  
 دانی که در دوزخ / آن نیکو که در دوزخ

در هر کجاست چو بخت / در هر کجاست چو بخت



من اوصاف رویت ندایم ولی این قدر روشنم شد که ما

بجز از روی بفرستایی  
که از روی کمال احتراز  
کفر است از نادیده بخت

در این کتاب شصت و شش فصل است  
که در این کتاب شصت و شش فصل است

[illegible]

بیتجہ اجہاں کے ہونے پر



کار اجیر تو باری ندانم  
خبر فکر وصل تو کاری ندانم

کوشل و فایک ری ندانم  
کمر التویر ندانم  
ز روی تو بویس کار ندانم

جان خجسته یاری وفا تو ندانم  
کدو کز خود خجسته ای ندانم  
دست من و دست یاری ندانم

بدره یار است یار ندانم  
بدره یار است یار ندانم

<p>بیا و برفت خورده است بازش طریقه سر کلاه کاشی که باز کردی خانه این است که باز کردی خانه آن بود و روی چو سحر مقصود ازین بکار نیست پیش سخن ز عشق غنچه مردم در سینه ز عشق غنچه او را چه که عشق بارید</p>	<p>باید در عشق سر نهاده است از نادانان چه بگویم افانده که سبب یار است دور از کده پیش یار است این که در روی آن دیار افانده که در روی آن دیار ز بهار که یاد او من هیچ سجده وای از آن من هیچ نام به جا و از زبان مشوق عاشق</p>
---	---

مکار را



خوئی که درین بخت گدازد / ماسی که درین بخت مازد

سر و قضا چنانچه بخت بخواهد / در کار و فائز چنانچه بخواهد

کرمی که درین بخت گدازد	کرمی که درین بخت گدازد
شتر و گاو و بز و اسب	شتر و گاو و بز و اسب
میدان و بستان و دشت	میدان و بستان و دشت
کافور و زعفران و صندل	کافور و زعفران و صندل
سبزه و گل و بوته و درخت	سبزه و گل و بوته و درخت
بخت و کجالت و فکارت	بخت و کجالت و فکارت
کر و پکر و بی و بی	کر و پکر و بی و بی
بخت و کجالت و فکارت	بخت و کجالت و فکارت
کر و پکر و بی و بی	کر و پکر و بی و بی
بخت و کجالت و فکارت	بخت و کجالت و فکارت
کر و پکر و بی و بی	کر و پکر و بی و بی

چون که بخت بخواهد / در کار و فائز چنانچه بخواهد

در بخت و کجالت و فکارت / کر و پکر و بی و بی



A page with stencil border from a Persian ms., of  
the early 17th century. (Laila & Majnun).  
Calligraphy by Mir Amad, (Son-in-law of Shah Abbas).





